

5209

دو

۱

۱۰

ک

بیمار

www.ketab.ir

سرشناسه: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ . Al Ahmad, Jalal

عنوان و نام پدیدآور: اورازان/تالیف جلال آل احمد.

مشخصات نشر: قم: نظاره، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۸۰ص.

شابک: 978-622-6283-20-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

موضوع: اورازان — اوضاع اجتماعی

موضوع: Urazan (Iran) -- Social conditions

موضوع: جامعه‌شناسی روستایی

موضوع: Sociology, Rural

رده بندی کنگره: ۳۰۷۳DSR ۴/۷/۱۳۹۸

رده بندی دیویی: ۱۲۵۵/۹۵۵

شماره کتابخانه ملی: ۵۶۴۳۶۶۰



اورازان

اثری از:
جلال آل احمد

مصطفیٰ علی



کتابخانه ملی

اورازان

نویسنده: جلال آل احمد

ناشر: نظاره

توبت چاپ: اول ۱۳۹۸

قطع و تعداد صفحات: اروپایی ۸۰ صفحه

تیراژ: ۵۰ نسخه

چاپخانه: گلها

صحافی: ثلث

امور گرافیکی: آتیه خرائیک ثلث

مدیر هنری: صادق انارصی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۳-۲۰-۵

تمام حقوق محفوظ است و هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، نشر الکترونیکی، فیلم، صدا و... نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

@SOLS_BOOK

@SOLS_BOOK

۰۹۳۷۲۲۲۲۵۴۵

۰۹۳۷۳۳۳۳۵۶۹



مرکز پخش و نشر کتاب ثلث:

دفتر مرکزی: قم، بلوار شهید خداکرم کوچه ۳، پلاک ۱۴

فروشگاه قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران طبقه همکف، پلاک ۲۰

۰۲۸۳۶۱۰۹



فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۱۱.....	بخش اول: وضع عمومی
۱۷.....	بخش دوم: مسائل مذهبی
۲۴.....	بخش سوم: آب و آبیاری
۲۸.....	بخش چهارم: تشریفات مرگ و میر
۳۴.....	بخش پنجم: غذای اهالی
۳۹.....	بخش ششم: لباس اهالی
۴۴.....	بخش هفتم: مراسم عروسی
۴۹.....	بخش هشتم: تشکیلات اجتماعی
۵۵.....	بخش نهم: فرهنگ لغات اورازانی
۷۰.....	بخش دهم: تعابیر، مثل‌ها، بازی‌ها و قصه‌ها
۷۶.....	بخش یازدهم: چند نکته‌ی دستوری
۷۹.....	بخش دوازدهم: چند نکته مربوط به صوت شناسی

مقدمه

گرچه در عرف و سیاست و فرهنگ و مطبوعات معاصر مملکت ما یک ده در هیچ مورد به هیچ حساب نمی‌آید ولی به هر صورت مسئله اصلی تشکیلات اجتماعی این سرزمین و زمینه اصلی قضاوت درباره تمدن آن، همین دهات پراکنده است که نه کنجناوی متبعمان را می‌انگیزد و نه حتی علاقه‌مندی خریداران رای و سیاستمداران و صاحبان امر را. چرا؛ گاهی اتفاق افتاده است که مستشرقی یا لهجه‌شناسی به عنوان تحقیق در لهجه‌ی دورافتاده‌ای، سری به دهات هم زده است و مجموعه‌ای نیز گردآورده است ولی خبر از آن چه مربوط به مورد علاقه‌ی اوست، نه از مردم این دهات و نه از آداب و رسوم‌شان و نه از وضع معیشت‌شان چیزی در این گونه مجموعه‌ها نمی‌توان یافت. و اگر می‌توان یافت، بسیار نذرا و سرسری است. تقصیر هم از کسی نیست. ناشناخته‌های این سرزمین آن قدر فراوان است که کمتر کسی حوصله می‌کند به چنین موضوع حقیری پردازد و وقت عزیز خود را درباره‌ی یک ده - یک ده بی‌نام و نشان - که در هیچ نقشه‌ای نشانه‌ای از آن نیست و حتی در جغرافیاهای بزرگ و دقیق نیز بیش از دو

سه سطر به آن اختصاص داده نمی‌شود، صرف کند. با این همه این مختصر درباره چنین موضوع حقیری فراهم شده است. نویسندگی این مختصر نه لهجه‌شناس است و نه در این صفحات با مردم‌شناسی و قواعد - و یا با اقتصاد سر و کاری دارد و نه قصد این را دارد که قضاوتی درباره‌ی امری بکند که مقدمه‌اش در این جزوه آمده است. بلکه سعی کرده است با صرف دقتی که اندکی از حد متعارف بیشتر است یک ده دورافتاده را با تمام مشخصات آن ببیند و از آن چه دیده است مجموعه‌ی مختصری فراهم بیاورد، حاوی تکاپوی زندگی روزمره مردم آن ده و نشان بدهد که موضوع هرچه خلاصه‌تر و حقیرتر باشد مجال دقت و تحقیق گشاده‌تر خواهد بود.

شاید گمان برده شود که آن چه در این مجموعه آمده است بر آن چه در دیگر دهات ایران می‌گذرد امتیازی دارد و مثلاً به همین علت جلب نظر نویسنده را کرده است. البته چنین گمانی به خطاست. «اورازان» ده مورد بحث این مختصر - دهی است مثل هزاران ده دیگر ایران که زمینش را با حیش شخم می‌زنند و بر سر تقسیم آبش همیشه دعوا برپاست و مردمش بندرت حمام دارند و چایی‌شان را با کشمش و خرما می‌خورند. و اگر نویسنده این سطور آن را برگزیده به علت علایقی بوده است که به آن جا داشته. «اورازان» مولد اجداد او بوده است و از نظر وابستگی‌های مادی و معنوی به خصوصی که در این گونه موارد انگیزه‌ی رفت و آمدهای از ده به شهر و از شهر به ده می‌شود، تاکنون پنج شش باری اتفاق سفری به آن ناحیه برای او دست

داده است که آخرین آن‌ها در تابستان ۱۳۲۶ بوده. مجموع مدت اقامت نویسندگان در آن‌جا ضمن این مسافرت‌های موسمی و متناوب به بیش از یک سال رسیده و تهیه این یادداشت‌ها مشغولیت ایام اقامت او در آن‌جا بوده است؛ و اکنون که ترتیبی به آن‌ها داده می‌شود و برای انتشار آماده می‌گردد خود نویسندگان نیز نمی‌دانند که آن را از چه مقوله بدانند؟ آیا سفرنامه است؟ تحقیقی از آداب و رسوم اهالی است؟ یا بحثی درباره لهجه‌ای است؟ چون وقتی این یادداشت‌ها فراهم می‌شده است هیچ قصدی در کار نبوده. حتی قصد انتشار آن؛ و همان‌طور که گذشت فقط مشغولیتی بوده است در ایام فراغت؛ و برای دیگران نیز اگر به هیچ کاری نخورد دست‌کم مشغولیتی برای ساعات فراغت‌شان خواهد بود.

به‌هرصورت «اورازان» (بر وزن جوکاران) ده کوهستانی از تمدن شهری دورافتاده‌ای است در منتهای شرقی کوهپایه‌های طالقان که نه تنها از دبستان و ژاندارمری و بهداری در آن خبری نیست، بلکه اغلب اهالی هنوز با سنگ چخماق و «قو» چپق‌های خودشان را آتش می‌کنند و برای روشن کردن اجاق‌ها و تنورها از چوب‌هایی که پنج شش برابر یک چوب‌کبریت بلندی دارد و سر آن آغشته به گوگرد است استفاده می‌کنند.

گرچه در کتاب‌های رسمی جغرافیایی سکنه آن را در حدود ۷۰۰ نفر تخمین زده‌اند ولی در حدود صد خانوار در آن سکونت دارند که بنا به گفته‌ی کدخدای محل در سال ۱۳۲۶

جمعاً چهارصد و شصت نفر می‌شده‌اند. اورازان از قسمت «بالا طالقان» به حساب می‌آید. این قسمت با دو قسمت دیگر میان و پایین طالقان روی هم‌رفته در حدود ۸۰ پارچه آبادی وجود دارد که هرکدام به نسبت آب و آبادانی زمین و اطراف خود پرمعیت‌تر و یا سوت و کورت‌ترند.

خود طالقان دره بزرگی است که امتداد طولی آن از شمال شرقی به جنوب غربی است. در ته این دره از شمالی‌ترین نقاط آن رودخانه محلی یعنی «شاهرود» با جریانی تند و آبی کف کرده روان است و پس از پیمودن تمام طالقان در حدود طارم با «قزل‌اوزن» می‌پیوندد و به‌صورت سفیدرود از گیلان می‌گذرد و به دریای خزر می‌ریزد.

در دو دامنه جنوبی و شمالی همین رودخانه، دهات طالقان پراکنده است. بالا طالقان کوهستانی‌تر و سردسیرتر است و هرچه به پایین طالقان نزدیک بشوید به جلگه نزدیک‌تر می‌شوید. طالقان از شمال و مغرب به تنکابن و الموت محدود است و از جنوب به ساوجبلاغ. کوه‌های شرقی طالقان متصل است به کوه‌های غربی جاده کرج به چالوس. در چنین ناحیه‌ای است که اورازان قرار گرفته. در دوره بیست‌ساله... کوشش‌های برای ایجاد جاده شوسه برای طالقان شد که از آن به بعد متروک مانده است. راه‌ها مالرو است و هنوز «شاهرود» بزرگ‌ترین وسیله حمل‌ونقل است. به این معنی که در اواخر تابستان تمام چوب‌هایی را که در تمام طالقان قطع می‌کنند به رودخانه می‌اندازند و به‌وسیله

جریان تند آب حمل می‌کنند.

این بود مختصری درباره موقع و محل جغرافیایی ناحیه‌ای که ده مورد بحث یکی از آبادی‌های آن است. تمام طالقانی‌ها زبان خود را «تاتی» می‌دانند. توجه آن‌ها چه در امور مادی و اقتصادی و چه در مسائل مربوط به زبان و فرهنگ به مازندران است. نمونه‌های کوتاهی که در این مورد داده شده است مؤید این مدعا است. برای این که دقت بیشتری به کار برده شده باشد لغات و اصطلاحات محلی به حروف لاتین نیز ضبط شده است.

عکس‌ها و نقشه‌ها «دست‌پخت شمس» است. طرح نقشه‌ها و اشکال و ظروف محلی را آقای بهمن محض کشیده‌اند. گذشت از ایشان باید از زن عزیزم تشکر کنم که زحمت ترجمه این مقدمه را به انگلیسی بر خود هموار ساخته؛ و بیش از همه مرهون تشویق‌ها و دلداری‌های دوست فاضل خویش آقای ایران‌پرست هستم.